

## بررسی شواهد تاریخی نقش غرب در کاهش ارتباطات علمی تمدن اسلامی با کاهش متون آن

سعید امیر کاوه / دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم و مدیر گروه ارتباطات دانشکده صدا و سیما قم

eslami114@yahoo.com

شعبه اسلامی / کارشناسی ارشد ارتباطات دانشکده صدا و سیما قم

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۳

### چکیده

در قرون گذشته و پیش از پدید آمدن رسانه‌های نوین ارتباطاتی، مهم‌ترین راه حفظ و تبادل اطلاعات و علوم، خط و کتابت بوده است. این پژوهش، به بررسی شواهد تاریخی نقش غرب در کاهش ارتباطات علمی تمدن اسلامی با کاهش متون آن می‌پردازد. از این رو، در این پژوهش تلاش شده تا از طریق روش تحقیق تاریخی - تحلیلی و با فیش‌برداری داده‌های آن، با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، شواهد تاریخی نقش غرب در کاهش ارتباطات علمی تمدن اسلامی با کاهش متون آن در ایجاد محدودیت و یا از دسترس خارج شدن منابع علمی دانشمندان مسلمان بررسی گردد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که غربی‌ها با تاراج و انتقال آثار اسلامی، موجب محدود شدن دسترسی به منابع و متون تمدن اسلامی یا از بین رفتن و از دسترس خارج شدن آنها گردیدند. این موضوع آثار جبران‌ناپذیری در کاهش سطح ارتباطات علمی جهان اسلام برجای گذاشت.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن اسلامی، ارتباطات علمی، غرب، متون تمدن اسلامی.

## ۱. مقدمه

دین اسلام، یکی از موضوعاتی که برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل است، علم و دانش می‌باشد. به طوری که مسلمانان کسب آن را به عنوان فریضه‌ای الهی می‌دانستند. به همین دلیل، اسلام توانست در مدت کوتاهی، تمدنی فراگیر به وجود آورد که در آن زمان، به اعتراف بسیاری در نوع خود بی‌نظیر بود. از دل فرهنگ و تمدن اسلامی، بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان بزرگ جهان ظهور کردند؛ کسانی که تمدن امروز بشر مدیون تلاش و آثار ارزشمند علمی آنهاست.

میراث عظیم مدونی که در طی اعصار و قرون بر جای مانده، بیانگر این است که تمدن اسلامی، بسیار از نظر علمی پیشرو بوده است؛ به طوری که تنها آثار و کتب خطی باقی مانده از این تمدن بالغ بر میلیون‌ها جلد می‌شود (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۳۶). هرچند این مقدار نسخ باقی مانده، تنها بخش کوچکی از آثار اندیشمندان اسلامی است و بسیاری از آنها در طول تاریخ به دلایل مختلف از بین رفته‌اند. با این حال، این تعداد باقیمانده خود گویای وسعت و عمق تلاش‌های علمی دانشمندان تمدن اسلامی در علوم و فنون گوناگون می‌باشد. این تلاش‌ها و دستاوردهای علمی جهان اسلام، از نظر کمی و کیفی در هیچ تمدنی سابقه نداشته است. در روزگاری که انحطاط علمی و فرهنگی جوامع اروپایی را فراگرفته بود و مردمان این جوامع، مصائب و تیره‌روزی‌های قرون وسطا را تجربه می‌کردند، در این سوی جهان و در حوزه تمدن اسلامی، زمینه مساعدی برای ایجاد و رشد نهادهای علمی، فرهنگی مانند مراکز علمی و دانشگاه‌های بزرگ، کتابخانه‌های عظیم، با صدها هزار جلد کتاب، بیمارستان‌های پیشرفته و تخصصی و... به وجود آمده بود که بسیاری از آنها تا آن زمان، بی‌نظیر بودند.

## ۲. بیان مسئله

نکته مهم، علت‌یابی افول و عقب‌ماندگی مسلمانان در قرن‌های اخیر است. درباره اینکه چرا در قرون اخیر تولید علم در جهان اسلام دچار کاهش محسوسی شد، باید موارد چندی را که مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه مؤثر بوده‌اند، برشمرد. اما در این میان می‌توان گفت: یکی از مهم‌ترین علل آن، کاهش ارتباطات علمی درون جهان اسلام بوده است. هرچند در خصوص علت کاهش ارتباطات علمی تمدن اسلامی، موارد مختلفی مطرح می‌گردد. اما باید گفت: یکی از مهم‌ترین دلایل این افول در قرون اخیر که متأسفانه برخی از ابعاد آن مغفول مانده، لطماتی است که جهان اسلام از سوی غربی‌ها متحمل شده است. غربی‌ها، طی قرن‌های متعدد و طولانی اقدام به وارد آوردن آسیب‌ها بر پیکره جهان اسلام نمودند. این آسیب‌ها به قدری بر پیکره جهان اسلام تأثیر گذاشت که این تمدن هر روز افول بیشتری را شاهد بود. در این میان، سرقت، انتقال و حتی نابودی آثار دانشمندان مسلمان از اهمیتی خاص برخوردار بود؛ زیرا تأثیر زیادی در کاهش ارتباطات علمی داشت. به طوری که در این دوران، نه تنها علوم جدیدی ایجاد نمی‌شد، بلکه حتی مسلمانان نسبت به میراث علمی گذشته خود، تا حدود زیادی بیگانه شدند. درحالی که هم زمان غربی‌ها، بنای تمدن جدید خود را بر روی همین دستاوردهای تمدن اسلامی بنا می‌نمودند؛ بدون اینکه نامی مناسب از آن ببرند. موضوع این پژوهش، از جمله موارد مغفولی است که تاکنون پژوهش مناسبی در این خصوص صورت نگرفته است.

در گذشته و پیش از به وجود آمدن وسایل و کانال‌های جدید ارتباطات، اصلی‌ترین راه انتقال و انتشار علوم و پژوهش‌ها، نوشتار بوده است. از این رو، باید توجه داشت که کمیت و مقدار متون و راحتی دسترسی به آنها، رابطه مستقیمی با میزان ارتباطات علمی درون یک جامعه دارد؛ هر مقدار، کمیت این متون کاهش یابد، ارتباطات علمی نیز کاهش پیدا خواهد کرد. تمدن اسلامی در قرون اخیر، دچار چنین آسیبی گردید؛ زیرا غربی‌ها در ابعاد وسیعی اقدام به تاراج، انتقال و نابودی متون و آثار تمدن اسلامی کردند. به همین دلیل، هر مقدار ابعاد کمی و کیفی این موضوع روشن گردد، به همان میزان هم می‌توان کاهش ارتباطات علمی را در تمدن اسلامی تصور نمود. در اینجا سؤالاتی مطرح می‌شود که نابودی، تاراج و انتقال متون دانشمندان تمدن اسلامی توسط غربی‌ها، با چه کمیت و کیفیتی انجام گرفته است؟ و چه مقدار در محدود ساختن یا از بین بردن ارتباطات علمی جهان اسلام نقش داشته است؟

### ۳. ضرورت انجام پژوهش

بررسی این موضوع از جهات گوناگون دارای اهمیت است. ابتدا روشن شدن بخشی دیگر از جایگاه علمی تمدن اسلامی و تلاش‌ها و دستاوردهای دانشمندان مسلمان، در طول تاریخ و اینکه تمدن امروز بشری و بخصوص تمدن غرب، به چه میزانی وامدار خدمات و دستاوردهای تمدن اسلامی است. نکته دیگر، دلایل بی‌توجهی و سانسور خدمات و دستاوردهای علمی تمدن اسلامی، توسط غربی‌ها و بررسی صدق یا کذب ادعاهای آنها، در خصوص عدم تأثیر تمدن اسلامی در علوم و دستاوردهای علمی است.

در مواقعی این سانسور به اندازه‌ای بی‌رحمانه صورت می‌گیرد که در برخی منابع در دنیای امروز، رشد علم تنها به دو دوره باستان (یونان) و دوره بعد از رنسانس اروپا تقسیم می‌گردد. به طوری که اکثر مؤلفان تاریخ علوم، بی‌درنگ پس از تشریح تمدن‌های عتیق، به‌ویژه علوم یونانی به عصر رنسانس و بیداری اروپا می‌پردازند. در این میان، نقش اسلام را در توسعه و تکامل علوم، مورد توجه قرار نمی‌دهند. برای نمونه، در کتاب *علم در تاریخ*، در یک کتاب چهار جلدی با بیش از هزار صفحه تنها ده صفحه (۲۰۹ الی ۲۱۸)، به شرح علوم مسلمین اختصاص داده است (برنال، ۱۳۵۴، ص ۲۰۹-۲۱۸). همچنین، در کتاب *تاریخ علوم*، ترجمه حسن صفاری، با بیش از ۷۵۰ صفحه، تنها پنج صفحه (۱۱۷ الی ۱۲۲)، به معرفی علوم اسلامی و دانشمندان آن اختصاص یافته است (روسو، ۱۳۴۶، ص ۱۱۷-۱۲۲).

گویا در دوره تاریک و رعب‌انگیز قرون وسطای غرب، پیشرفت علوم متوقف شده و سایر ملل هم مانند آنها، در همین وضعیت عقب‌ماندگی و جهل به سر می‌بردند. درحالی که مسلمانان بنا به تأکید اسلام، به علم‌آموزی و دوری از جهل، علمی و صناعی را در همین دوران ابداع کرده و وسعت دادند که پایه‌گذار اصلی دستاوردهای علمی امروز بشر گردیده است. اعتراف به این جایگاه، در سخنان برخی از اندیشمندان منصف و بدون تعصب غربی، به راحتی مشهود است. نکته دیگر، بیان یکی از مهم‌ترین علل عقب‌ماندگی علمی جهان اسلام می‌باشد که بیانگر نقش کلیدی غرب و تلاش‌هایی گسترده از سوی آنها بوده که نتیجه آن، موجب کاهش ارتباطات علمی در سرزمین‌های اسلامی گردیده است. این موضوع، تأثیرات مهمی بر روند حرکت علمی در درون تمدن اسلامی برجای گذاشته است.

#### ۴. روش پژوهش

این پژوهش بنیادی با روش تاریخی - تحلیلی انجام می‌گیرد؛ یعنی در ابتدا تمام موارد مد نظر فیش‌برداری شده، که روش فیش‌برداری در این پژوهش، به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. سپس، بعد از بررسی و تنظیم، اقدام به توصیف و تبیین شواهد تاریخی، نقش غرب در کاهش ارتباطات علمی تمدن اسلامی با کاهش متون آن می‌نماییم. از این رو، با استفاده از اسناد و مدارک موجود دست اول و یا ثانویه معتبر تلاش می‌شود تا ابعاد و تأثیرات این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. منابع اولیه شامل اطلاعات دست اول مانند اسناد است. منابع ثانویه شامل اطلاعات دست دوم نظیر گزارش یک شخص ثالث از واقعه است. یافتن داده‌ها، با استفاده از گزارش‌های رسمی، اسناد، مدارک، کتاب‌ها و مقالات و آثار باقیمانده از گذشته، درباره این موضوع انجام می‌گیرد.

#### ۵. ارتباطات علمی

راه پیشرفت بشر در ابعاد شخصی و اجتماعی، توجه به معرفت، دانش و آگاهی است. علم، منبع و منشأ تحولات در جامعه می‌باشد. توسعه، پیشرفت و رشد یک جامعه زمانی میسر می‌شود که در آن جامعه تحقیق و پژوهش وجود داشته باشد. این امر زمانی شکل می‌گیرد که در این جوامع، ارتباطات علمی به وجود آمده باشد. از آنجاکه بخش مهمی از دانش و آگاهی انسان، فطری نیست و بر اثر تجربه و یادگیری به دست می‌آید، نقش و اهمیت مقوله‌ای به نام کتاب و نوشتن، نمایان می‌گردد. باید گفت: در طول تاریخ هیچ میراثی سودمندتر و با ارزش‌تر از کتابت نبوده است. نوشتن، مهم‌ترین راه ایجاد و گسترش ارتباطات علمی بوده و کتاب، از قدیمی‌ترین رسانه‌ها در زندگی بشر است که نقش مهمی در ارتباط علمی بین جوامع و نسل‌ها دارد و فرهنگ، علوم و... را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. به نوعی می‌توان گفت: کتاب، میراث مکتوب هر جامعه است. در طول حیات بشری، تمدن‌های بسیاری به وجود آمده و از بین رفته‌اند. اما آنچه که باعث ارزش یک تمدن و ماندگاری آن می‌شود، جایگاه و خدمات اندیشمندان و دانشمندان آن تمدن بوده که آثار گران‌بها و باارزشی از خود برجای گذاشته‌اند. باید گفت: کتابت راهی است که دانش بشری به مدد آن از تباہ شدن مصون می‌ماند و به آیندگان منتقل می‌شود.

ارتباطات علمی به فرایندهای مرتبط با انتشار علمی اطلاق می‌شود؛ چرا که انتشار در شکل‌های مختلف آن، روش اصلی انتشار نتایج پژوهش‌هاست. ارتباط علمی، زیرمجموعه‌ای از ارتباط اجتماعی است. ارتباط، اساس و ماهیت علم است. از این رو، اشاعه نتایج پژوهش‌های علمی، موجب توسعه مرزهای دانش می‌شود. ارتباط علمی، یکی از زمینه‌ها و شرایط توسعه علمی است؛ چرا که بدون وجود ارتباط علمی امکان انتقال میسر نخواهد شد و سرانجامی جز رکود و سکون علمی دانسته‌ها و دستاوردهای علمی نخواهد داشت (داورپناه، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

بنابراین، ارتباط علمی، به انواع روابط متقابل میان اعضای جامعه علمی اطلاق می‌شود که به تبادل دیدگاه‌ها، نظرات و اطلاعات علمی و ایجاد توافق و اجماع پیرامون مسائل مشترک منجر می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۲). از این رو، ارتباطات علمی با ایجاد زمینه‌های تعامل دیدگاه‌ها، می‌تواند به گسترش علم کمک کند (همان). به عبارت

دیگر، ارتباط علمی عبارت است از: مبادله و انتقال مستقیم یا غیرمستقیم اطلاعات و نتایج فعالیت‌های علمی، میان دانشمندان و نهادهای علمی، از طریق کانال‌های ارتباطی. در این خصوص، باید گفت: خط و کتابت به تمدن امکان داد تا با انباشت اطلاعات، تراکم‌پذیر شود. همین امر، موجب شد تا پیشرفت‌های آن تسریع شود. این کتاب بود که موجب ایجاد طبقه‌ای از دانشمندان شد و به دانش اهمیت اجتماعی اعطا کرد. این کتابت بود که با شیوه‌های گوناگون، این آگاهی را ممکن ساخت و به بشر اجازه داد تا سرنوشت خود را به دست گیرد (کازنو، ۱۳۶۴، ص ۵۵).

## ۶. شواهد تاریخی کاهش متون تمدن اسلامی توسط غرب

نابودی و تاراج متون توسط غربی‌ها در ابعاد وسیعی صورت گرفت. از رجال سیاسی و مذهبی گرفته تا تجار و مستشرقان غربی، برای دستیابی به این آثار تلاش‌های فراوانی نموده‌اند. این اقدامات غربی‌ها، دو تأثیر عمده در کاهش ارتباطات علمی در تمدن اسلامی برجای گذاشت: ابتدا ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع علمی و دیگری از دسترس خارج شدن متون و منابع علمی که تأثیر عمده‌ای در کاهش این ارتباطات داشته است. هرچند نمی‌توان به راحتی ابعاد دقیق این خسارت را آشکار کرد و به پژوهش‌های بیشتر و کامل‌تری نیاز است؛ اما می‌توان اصل وجود آن، شواهد و تأثیراتشان را بررسی کرد. از این‌رو، در اینجا این موارد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۶-۱. ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع اسلامی

حداقل تأثیر تاراج و انتقال متون و آثار تمدن اسلامی، بر میزان ارتباطات و تبادلات علمی دانشمندان اسلامی، محدود و سخت شدن دسترسی به منابع و متون علمی است که موجب کاهش بهره‌مندی و استفاده از آنها توسط محققان و دانشمندان جهان اسلام می‌شود. این خود، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورد؛ زیرا در گذشته برای تهیه یک کتاب، علاوه بر هزینه قابل توجهی که باید صرف می‌شد، زمان زیادی هم لازم بود تا از یک کتاب بتوان نسخه‌ای جدید تهیه کرد. از این‌رو، کمبود کتب مشکلاتی مانند محدود و سخت شدن دسترسی و آشنایی با دانشمندان مسلمان و تلاش‌های علمی آنها و کاهش استفاده از آثار و محتوای تألیفات و کم شدن سرانه مطالعه را در پی داشت. این ایجاد محدودیت، از طریق عوامل گوناگون و در ابعاد مختلفی انجام گرفت.

### ۶-۱-۱. جنگ‌ها

مهم‌ترین آسیب غربی‌ها به آثار تمدن اسلامی، در طی جنگ‌هایی مانند جنگ‌های اندلس، جنگ‌های صلیبی و... روی داد که طی آن میلیون‌ها کتاب از بین رفته و یا سرقت شد و از بسیاری از کتابخانه‌های عظیم و مراکز بزرگ علمی در مناطق مورد هجوم، اثری باقی نماند. از این‌رو، باید گفت: این جنگ‌ها خسارات غیرقابل جبرانی بر ارتباطات علمی در این مناطق مهم حوزه تمدن اسلامی، وارد ساخت. در این خصوص آمده است که پس از غلبه مجدد مسیحیان بر این سرزمین‌ها، قسمت بزرگی از کتاب‌های این کتابخانه به تولدو انتقال یافت. در آن زمان، شهر تولدو به سبب همین ویژگی و امتیاز، در مقایسه با سایر شهرهای اسپانیا، محل مناسبی برای تأسیس مرکز بزرگ ترجمه گردید. از آنجاکه در

این دوره، بیشترین ترجمه‌ها از عربی به لاتینی بود، قرن ۱۲ میلادی به دوره ترجمه عربی به لاتینی شهرت یافت (حایک، ۱۹۷۸، ص ۸-۹ و ۵۰-۵۱). کتابخانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، از کتابخانه‌های مشهور سده هشتم هجری است. نسخه‌های خطی به جای مانده از آن کتابخانه حاوی ارزش تاریخی بسیاری است. در دوره حکومت فتحعلی‌شاه قاجار، به هنگام رویدادهای آذربایجان (جنگ ایران و روس)، کتاب‌های این کتابخانه توسط فاتحان روس به‌عنوان امانت برای مطالعه و استنساخ به تفلیس برده شد و هم‌اکنون در مؤسسه شرق‌شناسی لنینگراد نگهداری می‌شود (آزاد، بی‌تا، ص ۲۰). همچنین، به هنگام اشغال شهر تطوان در سال ۱۸۶۰ میلادی، توسط اسپانیا و پس از جنگی که بین آنها و مغربی‌ها در گرفت، اهالی آنجا برای نجات خود شهر و املاک خود را ترک کردند. در نتیجه، نفایس کتابخانه‌ها زردیده شد و به شهرهای اسپانیا انتقال یافت (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۴۵). همچنین فرانسویان، کتابخانه امیرعبدالقادر جزائری (۱۸۰۸-۱۸۸۳م) که رهبری مقاومت بر ضد اشغالگری فرانسه در کشورش را عهده‌دار بود، در ضمن جنگ با او غارت کردند. این کتابخانه، دارای ذخایر نسخه‌های خطی عربی بوده است (همان).

حتی امپراتوری‌های بزرگ در تمدن اسلامی هم از این جنگ‌ها در امان نبودند. در اکتبر ۱۵۷۱ میلادی، پیروزی بر ناوگان دریایی عثمانی در جنگ لپانتو، مشهورترین نبرد دریایی، نسخه‌های خطی عربی را به اروپا آورد. سرانجام به دست محققانی افتاد که می‌توانستند آنها را بخوانند (جونز، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). همچنین، در سال ۱۵۹۳ میلادی منجر به جنگی تمام‌عیار شد. فشارهای ردولف دوم، امپراتور اتریش، نیروهای عثمانی را تحت فرماندهی سنان پاشا وزیر اعظم هشتاد ساله قرار داد و نخستین موفقیت‌های هابسبورگ، نسخه‌های خطی عربی و ترکی عثمانی، بیشتری را در اختیار اروپاییان قرار داد (همان). این روند ادامه داشت تا اینکه دولت عثمانی سقوط کرد و گنجینه‌های تمدن ما از معابر داردانل و بسفر به غرب پیروز، انتقال یافت (عبدالرحمن، ۱۹۷۰، ص ۴۴). وقتی حکومت‌های بزرگ تمدن اسلامی، از این دست‌اندازی‌ها و غارت‌ها در امان نبوده‌اند، پس به مراتب حکومت‌های کوچک‌تر، لطامات بیشتری را متحمل شدند. از این رو، در طول تاریخ مشاهده می‌شود که تقریباً هیچ یک از کشورهای اسلامی از جنگ‌افروزی غربی‌ها و غارت آثار خود توسط آنها در امان نبوده‌اند. امنیت، ثبات و آرامش جامعه، مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت علمی و تولید علم و تعالی فرهنگ است. این جنگ‌ها، جز کشتار و ویرانی، دستاورد دیگری برای کشورهای مسلمان در پی نداشتند. غربی‌ها در هر نقطه‌ای از تمدن اسلامی که فرصت یافتند، با جنگ‌افروزی‌های خود به بهانه‌های گوناگون توانستند با از بین بردن سرمایه‌های مادی و انسانی آن منطقه، نه تنها جلوی پیشرفت و رشد آن را بگیرند، بلکه توانستند دستاوردهای علمی قرن‌ها را در طی مدتی کوتاه تاراج کرده و یا از بین ببرند.

#### ۱-۲. مأمورانی جهت خرید آثار در شهرهای اسلامی

یکی از راه‌هایی که غربی‌ها به وسیله آن توانستند بر بسیاری از آثار اسلامی دست پیدا کنند، وجود افرادی در شهرهای اسلامی بود تا این آثار را جمع‌آوری نموده و در اختیار آنان قرار دهند. این افراد، بیشتر در زمان‌ها و مکان‌هایی مورد استفاده قرار می‌گرفتند که سیطره و نفوذ غربی‌ها، در آنها کم یا سخت بود. به همین دلیل، غالباً موفقیت‌های چشمگیری به دست می‌آوردند.

انگلستان در سال ۱۸۴۲ میلادی، گروهی را به سرپرستی مستر تتام (متخصص نسخه‌های خطی) به مصر اعزام داشت. این گروه، به نسخ خطی عربی دست یافت که از بین آنها، ۳۰۰ نسخه بر پوست آهو مکتوب بود (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۲، ص ۵۸۲). همچنین، تاجری ایتالیایی که در یمن زندگی می‌کرده، نسخ خطی قدیمی یمن را با کالاهای کم‌ارزش خودش مبادله می‌کرده است و از این رهگذر، چندین هزار نسخه جمع‌آوری کرد و بعدها این نسخه‌های خطی را به کتابخانه/مپوزیانا در میلانو اهدا نمود (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۴۸). همچنین، جرویانی در خلال سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۵ میلادی مدیر کتابخانه پادشاهی مصر بوده است. تعداد نسخه‌های خطی که وی از کشورهای عربی کوچانیده، بیش از ۱۲۴۱ نسخه می‌شود (صالحیه، ۱۹۸۵، ص ۲۱). فرانسوا ساواری دبرو که حضور بیست و دو ساله‌اش در استانبول با سی سال [اقامت] آندره آلیاگو در دمشق برابری می‌کرد، در کل، مجموعه عظیمی از نسخه‌های خطی با خود به وطنش آورد (جونز، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶). افرادی را که مأموریت و کار اصلی آنان به دست آوردن آثار و انتقال آنها به غرب بود را تقریباً در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی می‌توان مشاهده کرد. این خود، اهمیت این آثار را در نزد غربی‌ها آشکار نموده و بیانگر حجم زیاد این انتقالات به غرب است. به‌طوری‌که برخی از این افراد، همه عمر و هدف خود را به این کار اختصاص داده بودند.

#### ۱-۳-۶. استعمارگری غرب

بسیاری از کشورهای اسلامی در معرض تهاجم استعماری غرب و استیلای آنها بر میراثشان قرار گرفتند، در مقدمه این میراث نسخه‌های خطی اسلامی قرار داشتند که به زور از آنها مصادره کردند. به‌عنوان نمونه، در واقعه نیل در سال ۱۸۰۲ میلادی که کلنل انگلیسی تورنر آن را رهبری می‌کرد، تعداد زیادی از نسخه‌های عربی را به بریتانیا منتقل کرد و به کتابخانه موزه بریتانیا سپرد (پیرسون، ۱۹۷۱، ص ۲۹۸). همچنین، سپاه فرانسه و فرانسویان مقیم الجزایر، کتابخانه دانشگاه الجزایر را به دنبال اعلان استقلال الجزایر در هفتم ژوئن سال ۱۹۶۲ میلادی به آتش کشیدند. گفته می‌شود، آتش‌سوزی به صورت ساختگی و به منظور انتقال نسخه‌ها رخ داده بود (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۴۵). این غارت‌ها مختص به قرن‌های جدید نبوده و در قرن‌های دورتر نیز بسیار مشاهده می‌شود. وقتی اسپانیا در سال ۱۴۱۴ میلادی بر شهر بسته (نزدیک شهر فارس مغرب) مسلط شد، تمامی کتاب‌های علمی را که تعداد آن بسیار بود، به کشور خود منتقل کرد (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۱، ص ۲۳۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود، این تهاجم‌ها و غارت‌ها در طی یک یا دو قرن انجام نگرفته، بلکه قرن‌ها به طول انجامیده است؛ غارتی این چنین طولانی و وسیع، خود گویای آسیب‌هایی است که آثار و متون تمدن اسلامی از جانب غربی‌ها متحمل شده و بسیاری از منابع علمی از کشورهای مسلمان خارج شده یا از دست رفتند.

#### ۱-۴-۶. سفارت و کنسولگری‌های غربی

غربی‌ها حتی از نمایندگان سیاسی و رسمی خود نیز در جمع‌آوری آثار بهره می‌بردند. از این‌رو، بسیاری از سفارت‌ها و

کنسولگری‌های غربی، نسبت به تهیه نسخه‌های خطی و انتقال آن به کشورهای خود اقدام کرده‌اند. از جمله مستشرق آلمانی هارتمان (متوفی ۱۹۱۹م) به‌عنوان مستشار کنسولگری آلمان در بیروت، در سال ۱۹۱۹ میلادی به لبنان و سوریه و برخی مناطق شرق مسافرت کرد و برای به دست آوردن نسخه‌های خطی عربی، به سران خاندان‌ها در لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و آستانه پناه جست و از آنها کتابخانه ویژه‌ای که از گران‌بهاترین کتابخانه‌های عربی به‌شمار رفته، ترتیب داد (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۲، ص ۶۲۷). دکتر دال در کتاب خود می‌نویسد: «کتاب‌های گران‌قیمت بسیاری برای کتابخانه مزبور (کتابخانه سلطنتی) از شرق، وارد پاریس می‌شد. همچنین سفیران فرانسه در خارج، کتاب‌های گران‌قیمت بسیار ارزنده‌ای را به آنجا می‌فرستادند» (دال، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲). همچنین، کنسول بریتانی در بغداد Lynch در سال‌های ۱۸۶۰ - ۱۸۶۳م تعداد ۳۱۰ نسخه عربی را به دست آورد و آنها را به موزه بریتانیا سپرد. سپس، کنسول دیگر بریتانیایی یعنی Budge تعداد ۱۷۳ نسخه عربی را از موصل به چنگ آورد و به موزه بریتانیا ارسال کرد (پیرسون، ۱۹۷۱، ص ۲۹۹).

در این خصوص، آیت‌الله مرعشی نجفی نقل می‌کنند: از بازار نجف عبور می‌کردم، دیدم طلبه‌ها به یک مغازه‌ای خیلی رفت‌وآمد می‌کنند. پرسیدم چه خبر است، گفتند: علمایی که فوت می‌کنند، کتاب‌هایشان را اینجا حراج می‌کنند. رفته داخل دیدم که عده‌ای حلقه زده‌اند و آقایی کتاب‌ها را آورده و چوب حراج می‌زند و افراد پیشنهاد قیمت داده و هر کس که بالاترین قیمت را پیشنهاد می‌داد، کتاب را می‌خرید. یک عربی نشسته بود در کنارش، کیسه پولی بود و بیشترین قیمت را او داده و کتاب‌ها را می‌خرید و به دیگران فرصت نمی‌داد. متوجه شدم که ایشان فردی به نام کاظم، دلال کنسولگری انگلیس در بغداد است و در طول هفته، کتاب‌ها را خریده و جمع‌ها به بغداد برده و تحویل انگلیسی‌ها می‌داد و پولشان را گرفته و بعد دوباره می‌آید و کتاب می‌خرد (www.hawzahnews.com). در این موارد، تقریباً نام تمامی کشورهای مهم غربی قابل مشاهده است. این کشورها، از نمایندگی‌های سیاسی خود و کارکنان آنها در زمینه انتقال آثار بهره می‌بردند که این موضوع، باز هم از اهمیت نسخه‌های تمدن اسلامی، برای دولت‌های غربی و ابعاد وسیع این موضوع حکایت دارد.

## ۱-۵. نسخه‌بازان و علاقه‌مندان به جمع‌آوری آثار

در میان تمام این عوامل، از نسخه‌بازان و علاقه‌مندان به جمع‌آوری آثار نباید غافل شد. این افراد، یکی از منابع مهم به دست آوردن آثار با ارزش تمدن اسلامی بودند. از حدود قرن یازدهم میلادی سیل دانشمندان و دلالان حریص کتاب از اروپا به کشورهای اسلامی و عربی سرازیر شد. اینان به جست‌وجو، یافتن و خریدن قانونی یا غیرقانونی، تقریباً هر دست نوشته‌ای که دسترسی یافتند، پرداختند (مکی‌سباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۹). همچنین، در ۲۶ جولای ۱۵۳۵ میلادی برنارد ریپارولی، کتاب نسخه مملوکی از جلد چهارم مجموعه مشهور حدیث بخاری به نام «صحیح» را از مسجدی در تونس آورد. این نسخه خطی، سپس به کتابخانه پالاتین در هایدلبرگ آورده شد و پوستل آنها را به همراه تعداد زیادی نسخه خطی عربی به نزد هیئت منتخب گرو گذاشت که بعداً به کتابخانه واتیکان منتقل شد.



(جونز، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). همچنین، پس از انقلاب مشروطه (۱۹۰۹-۱۹۰۶م) تعداد زیادی نسخ خطی از ایران خارج گردید و به مجموعه‌های شخصی در خارج از کشور، انتقال داده شد (رومن، ۱۳۸۰، ص ۱۳۵).

تعداد این افراد به حدی زیاد است که پرفسور سوند *دال*، رئیس سابق هیئت‌امنانی دانشگاه کپنهاک می‌گوید: برشمردن همه فرانسویان دوستدار کتاب در این قرن (۱۸م)، برای ما امکان‌پذیر نیست (دال، ۱۳۷۲، ص ۳۲۱). حضور این نسخه‌بازان در تهیه و انتقال نسخ خطی، به قدری زیاد است که قابل شمارش دقیق نیست و خود پژوهش‌های مفصلی می‌طلبند. اما این حجم قابل توجه از افراد و بازارهای بزرگ کتاب در غرب، نشان از حجم زیاد مبادلات و تجارت کتاب، بخصوص نسخه‌های نفیس و قدیمی دارد. این امر یعنی تبادل و انتقال یک طرفه علوم و متون از سوی شرق به سمت کشورهای غربی. این تجارت به معنای خسارت محض برای کشورهای شرقی و برد و منفعت کامل برای غربی‌ها بود؛ چون جریان یک طرفه انتقال علوم، هیچ منفعتی برای کشورهای دارای علم ندارد؛ زیرا زمانی تبادلات علمی مفید است که دو طرفه باشد. از این رو، شما در آن دوران هیچ کتاب و متون غربی را در کشورهای اسلامی نمی‌توانید پیدا کنید که کمکی به گسترش یا پیشرفت علوم در تمدن اسلامی کرده باشد.

#### ۶-۱-۶. دزدان و شکار نسخ خطی

به دست آوردن نسخ خطی، گویا همیشه و در هر جایی برای غربی‌ها جزء اهداف مهم بوده است. آنها از هر روشی حتی سرقت و راهزنی، برای رسیدن به این هدف بهره می‌بردند. اومانیت‌های اروپایی که پرچمدار حرکت بیداری و نهضت رنسانس بودند، شکارچسانی از بین مسیحیان و یهودیان و حتی مسلمانان انتخاب کردند که به زبان‌های یونانی، رومی، عربی و عبری آشنایی داشتند و باید اسناد علمی، فلسفی، تاریخی را خریداری یا حتی سرقت می‌کردند و پنهانی به صورت مال‌التجاره به اروپا می‌بردند. غالباً شکارچیان، با لباس‌تجار و کشیش رفت‌وآمد می‌کردند (فروغی، ۱۳۶۶، ص ۸۳). تراج آثار اسلامی، تنها محدود به خشکی نمی‌شد، بلکه دریا هم بارها شاهد این سرقت‌ها بوده است. برای نمونه، ناوگان اسپانیایی در سال ۱۶۱۲ میلادی به هنگام انتقال کتابخانه زیدانیه مغربی به سوئیس در جنوب مغرب، در حاشیه دریا با کشتی دزدان دریایی مواجه شد. این دزدان، کشتی حامل کتابخانه را به اسپانیا سوق دادند. کتابخانه مزبور، از *سلطان مولای زیدان بن ملک احمد منصور سعیدی* بوده و شامل ۳۰۰۰ یا ۴۰۰۰ کتاب از کتب نفیس برای حمل ذخایر از بندر اغادیر اجاره کرده بود که در کنار دریا با دزدان مواجه شد و آن کتابخانه گران‌بها به‌عنوان غنیمت به کتابخانه پادشاهی در قصر اسکوریال منتقل شد (جونز، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶).

بر اساس گفته *احمد بن قاسم سفیر پادشاه مراکش، اریپنیوس* از او به‌عنوان دستیار خود یاد کرده است. کتابخانه او حاوی ۷۸۰۰ کتاب بود که یک نومی‌دیایی به نام *نیرچا* با حبله و نیرنگ آن را سرقت کرد (همان). بخش مهمی از مسلمانان نسبت به اهمیت و ارزش این کتاب‌ها آگاهی داشته و در حفظ آنها جدی بودند. از این رو، در بسیاری از مواقع امکان خرید کتاب‌های با ارزش و نفیس برای غربی‌ها وجود نداشت. به همین دلیل، بیشترین شیوه‌ای که توسط غربی‌ها در موارد این‌چنینی مورد استفاده قرار می‌گرفت، سرقت این آثار بود. گزارش‌های موجود خود گویای فراوانی استفاده از این روش توسط غربی‌ها است.

مسافرت شرق شناسان به کشورهای عربی و اسلامی برای جست و جوی نسخه‌های خطی نادر و نفیس از زمان‌های دور، امری شایع بوده است. این مستشرقان، تنها به مطالعه شرق اشتغال نداشتند و به دست آوردن آثار شرقی نیز جزء اهداف آنها به‌شمار می‌رفت. مستشرق یهودی، اتریشی، هندی اگلارز که اهل چکسلواکی بود، با اسم مستعار حاج حسین در سال‌های ۱۸۹۰ - ۱۸۹۲ میلادی چندین مسافرت به کشورهای عربی و از جمله یمن کرد. او پس از رسیدن به مارب، به مجموعه نفیسی از آثار قدیمی و نسخه‌های خطی دست یافت (صالحیه، ۱۹۸۵، ص ۱۹-۲۰). همچنین، خاورشناس روسی کرچکفسکی، مسافرت‌های متعددی به کشورهای شرقی و غربی مثل ازبکستان، ترکستان، قرقیزستان و مناطقی از قفقاز نمود. وی به نسخه‌های خطی نفیسی دست یافت و آنها را به کتابخانه روسی منتقل کرد. سپس، به شرق عربی یعنی لبنان و سوریه و مصر کوچ کرد و مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی عربی نفیس را خریداری و به روسیه گسیل داشت (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۴۵). وجود این مستشرقان، به این دلیل اهمیت داشت که آنها آشنایی بهتر و دقیق‌تری با فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند و می‌توانستند آثار نفیس و با ارزش‌تر را به خوبی شناسایی کرده، به دست آورند. از دست دادن نسخ نایاب و نفیس برای هر جامعه، خسارتی بزرگ برای میراث علمی آن محسوب می‌شود و تأثیر زیادی در ضعیف شدن تبادلات علمی خواهد داشت.

#### ۶-۱-۸. فریب افراد ناآگاه

از دیگر شیوه‌های به کار رفته، اغفال برخی از ناآگاهان که متولی کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، مساجد، مدارس قدیمی و... بوده و از ارزش این گونه گنجینه‌ها بی‌اطلاع بوده‌اند. از این‌رو، آنها را به پول اندک فریفته و پس از خریدن نسخه‌های خطی، آنها را به کشورهای خود منتقل می‌کردند. شاید بهترین نمونه برای این شیوه، بیان محمد کردعلی در کتاب خود *حفظ الشام* است که می‌گوید:

از مصائبی که دچار کتب شام گردید این بود که برخی از دولت‌های اروپایی و از جمله فرانسه، آلمان، انگلستان، هلند و روسیه از قرن ۱۷ میلادی شروع به جمع‌آوری کتبی از تمدن ما نمودند و آنها را از شام به واسطهٔ وکلا، کنسولگری‌ها، اسقف‌ها و مبلران دینی خریداری کردند. مردم و به‌ویژه دست‌اندرکاران مدارس و دانشگاه‌ها نیز تا آنجا نفهمی کردند که درهمی را به نفیس‌ترین کتاب ترجیح دادند و در امانت خیانت کردند و فروش و تصرف در آنچه تحت نظرشان بود و یا از غیر خود به سرقت رفته بود را مباح کردند؛ گویی جزء مایملکشان بود. ثقه‌ای برایم گفته بود که یکی از دلایان کتب در قرن گذشته به منازل برخی از آنها در دمشق می‌رفت و با متولیان کتابخانه‌های مدارس و دانشگاه‌ها رفت‌وآمد داشت. وی کتاب‌های خطی مورد نظرشان را از آنجا به بهایی اندک می‌خرید. خرید این کتاب‌ها، بیشتر برای کنسولگری برسیا (آلمان) بود. این وضعیت یعنی خرید نسخه‌های خطی از تمامی شام ادامه داشت تا اینکه صد کتابخانه مهم را جمع‌آوری و سپس، به کشورش ارسال داشت (کردعلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۸-۱۹۹).

همچنین آمده است: لاندبرگ سوئدی (۱۸۴۸ - ۱۹۲۴م) در خلال مسافرت و گشت و گذارهایش در کشورهای عربی،

توانست به صدها نسخه عربی دست یابد و به کشورش انتقال دهد. او در مصر و یمن، بسیاری از افراد را به فروش نسخه‌های خطی فریب داد. از جمله آنها محمد اکمل بن عالم مصری عبدالغنی فکرت متوفی به سال ۱۸۸۹ میلادی بود که از او کتابخانه بزرگی را که پدرش به ارث برده بود، خریداری کرد (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۲، ص ۶۳۰ و ۷۵۶). متأسفانه در این موضوع، ناآگاهی برخی مسلمانان نسبت به ارزشمندی این آثار و اهمیت حفظ میراث گران‌بهای علمی تمدن اسلامی نقش مهمی داشته است. اگر این آگاهی و هوشیاری در بین مسلمانان بیشتر می‌شد، حجم تاراج میراث علمی مسلمانان نیز کاهش پیدا می‌نمود. اما دولت‌ها در این خصوص، معمولاً اقدامی انجام نمی‌دادند و عالمان دینی و دانشمندان بیشتر از هر کسی بار سنگین آن را بر دوش می‌کشیدند. اگر اقدامات آنها در حفظ و صیانت از منابع و متون اسلامی صورت نمی‌گرفت، شاید چیزی از آثار تمدن اسلامی باقی نمی‌ماند. مراکز دینی و حوزوی تا پیش از ظهور دانشگاه‌ها در عصر جدید مهم‌ترین جایگاهی بودند که ارتباطات علمی را زنده نگه داشتند. با تولید و تکثیر علوم و متون تمدن اسلامی، بخش قابل توجهی از این آثار را حفظ نموده و به دست ما رساندند.

#### ۹-۱-۶. حکومت‌های دست‌نشانده

حکومت‌های وابسته و دست‌نشانده در کشورهای اسلامی، یکی دیگر از راه‌های انتقال آثار اسلامی بود. در این خصوص، علامه حسن‌زاده آملی می‌گویند:

وقتی که من مدرسه مروی بودم، یکی از آقایان بزرگوار و اساتید نامدار، که اهل تألیف بود، گاهی به من سری می‌زد، و حالی می‌پرسید. روزی آمد و گفت: از امروز تهران خبر داری؟ عرض کردم: آقا، من طلبه‌ام و خبر ندارم. گفت: امروز (قریب چهل سال پیش) یک هواپیما کتاب خطی از تهران پرواز کرد برای آمریکا. اینها که پیش می‌آمد، مرحوم آقای شاعرانی می‌فرمود که ضرر و صدمه‌ای که بر معارف و فرهنگ این کشور، این پدر و پسر (رضاخان و محمدرضا) زدند، مغول نزده بودند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰).

همچنین، به هنگام گشایش کتابخانه قبه‌المال در مسجد اموی دمشق، سلطان عبدالحمید دوم در پاسخ به پیشنهاد امپراتور آلمان ویلیام دوم، در سال ۱۸۹۹ میلادی دستور داد تا این کتابخانه را که مدتی مدید قفل بر در داشت، بگشایند و محتویات آن را بررسی کنند. پس از انجام این کار، سلطان دستور داد تا بخش اعظم مجموعه کمیاب و شگفت‌انگیز کتابخانه را به‌عنوان هدیه شخصی او نزد پادشاه آلمان بفرستند (مکی‌سباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۱). اگر حکام کشورهای اسلامی، کمی برای این میراث اهمیت قائل می‌شدند و تنها به میزان کمی مانند دولت‌های غربی در به دست آوردن این آثار دغدغه و تعهد داشتند، به سادگی می‌توانستند با اتخاذ تدابیر مناسب، دست بیگانگان را کوتاه نموده و این ذخایر با ارزش را برای رشد و توسعه علمی کشورهای خود حفظ نموده و مورد استفاده قرار دهند. اما نه تنها این موضوع اتفاق نمی‌افتاد، بلکه در بسیاری موارد این حاکمان نالایق و فاسد خود به مهم‌ترین عامل تاراج آثار اسلامی تبدیل می‌شدند و بیشترین ضربه‌ها را به روند علم و ارتباطات علمی وارد می‌آوردند. به همین دلایل، مورد پشتیبانی و حمایت غربی‌ها قرار می‌گرفتند.

## ۱-۶-۱۰. کشیشان و راهبان مسیحی

کشیشان و راهبان مسیحی، گروهی بودند که به دلیل علایق و اعتقادات مذهبی خود، قرابت و نزدیکی زیادی با دنیای مسیحی غرب داشتند. از این رو، در موارد مختلفی مورد استفاده غربی‌ها قرار می‌گرفتند. از جمله کاردینال اگناتیوس جبرائیل تیونی از موصل (۱۹۶۸م) مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی عربی را به کتابخانه واتیکان اهدا کرد (عواد، ۱۹۷۶، ص ۲۰۱). همچنین، هنگامی که اسقف گرگوریوس چهارم به دیدار اسقف انطاکیه و همه سرزمین‌های شرقی تا روسیه رفت، مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی عربی را به قصر پادشاهی اهدا نمود (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۳، ص ۱۰۳۱). البته خود کلیسا هم بیکار نبود و نقش فعالی در این خصوص داشت. به طوری که پاپ در سال ۱۷۱۹ میلادی کشیشی مارونی و قبرسی‌الاصل به نام اندراوس الکساندر را به موصل اعزام کرد و او به برخی نسخه‌های خطی عربی دست یافت (همان، ج ۲، ص ۵۸۰). افراد وابسته به کلیسای مسیحی، گروهی فعال بودند که در زمینه تهیه و انتقال آثار در کشورهای اسلامی فعالیت داشتند و حجم انبوه کتب ارسالی به واتیکان و مراکز اصلی مسیحیت، خود گویای این نکته است.

این موارد شواهدی است که به اصل موضوع تاراج و انتقال آثار و ابعاد کمی و کیفی آن، در ایجاد محدودیت در ارتباطات علمی می‌پردازند. همان‌طور که مشاهده شد، این حجم از انتقال و تاراج متون توسط غربی‌ها، خود بیانگر میزان کم شدن کمیت کتاب‌ها در تمدن اسلامی است. این میزان کاهش کتاب، دسترسی به منابع علمی را محدود و سخت کرده و به موجب کاهش ارتباط علمی شده است. اما این تنها بخشی از موضوع است؛ زیرا اقدامات غربی‌ها در این خصوص، با توجه به شواهد موجود، موجب از بین رفتن بخش مهمی از علوم و آثار تمدن اسلامی گردیده است؛ یعنی همانند موارد فوق تنها موجب ایجاد محدودیت نشده‌اند، بلکه موجب شدند که به طور کامل این منابع از دسترس تمدن اسلامی خارج شوند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

## ۲-۶. از دسترس خارج شدن متون اسلامی

در سراسر دنیای اسلام، از بعضی از نسخ خطی اسلامی تنها یک یا چند نسخه محدود باقی مانده است که اگر آنها هم از دست رفته بودند؛ مانند بسیاری از کتب دیگر، تنها نامی از آنها باقی می‌ماند و در دل تاریخ مدفون می‌گردیدند و تمام رنج‌ها و زحماتی که برای پدید آوردن آنها کشیده شده بود، از بین می‌رفت. از بین رفتن یک کتاب، خسارتی سنگین برای هویت یک تمدن و میراث علمی آن محسوب می‌شود. در میان کتاب‌هایی که توسط غربیان نابود شده یا منتقل شده‌اند، شواهد نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی کتب تک نسخه یا با نسخه‌های محدود وجود داشته، که طی قرون گذشته از دسترس کشورهای اسلامی خارج گردیده و یا از بین رفته‌اند که در این بخش، شواهد تاریخی و ابعاد آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱-۲-۶. نابودی کتب و آثار

یکی از آسیب‌های غیرقابل جبران بر پیکره علمی جهان اسلام، نابودی آثار دانشمندان اسلامی است که توسط غربی‌ها عամدانه و یا با سهل‌انگاری صورت گرفته است. غربی‌ها که علاقه زیادی به کتاب‌های کمیاب و نفیس

داشتند، توانستند بسیاری از آنها را از ملل مسلمان به دست آورده و با خود ببرند. اما برخی از این کتاب‌ها، یا هیچ‌گاه به مقصد نرسیدند و در راه از بین رفتند و یا پس از رسیدن به غرب، به دلایل مختلفی از جمله جنگ‌ها، آشوب‌های داخلی، بی‌توجهی و... ناپود شدند. مطابق اسناد موجود در بین این نسخه‌ها، کتاب‌های نایاب و تک‌نسخه نیز وجود داشتند که برای همیشه از بین رفته و از دسترس خارج شدند و دیگر هیچ‌گاه دسترسی به آنها ممکن نیست. بر خلاف ادعاهای برخی افراد ساده و فریب‌خورده که انتقال آثار اسلامی به غرب را مفید و مثبت ارزیابی می‌کردند، باید گفت: غربی‌ها هرگز امانتداران خوبی برای میراث علمی تمدن اسلامی نبودند. آنان علی‌رغم استفاده‌های فراوان علمی از آثار دانشمندان مسلمان، بیشترین خسارات را بر پیکره علمی جهان اسلام وارد آوردند.

### ۶-۲-۱. نابودی آثار نادر در راه انتقال

یکی از علل نابودی کتب و آثار اسلامی، حمل و نقل آنها، در مسیر سخت و طولانی تا اروپا بود که به اذعان منابع تاریخی، بخشی از این آثار نفیس در همین راه انتقال نابود شده‌اند. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۷۱۵ میلادی دانشمند لبنانی یوسف سمعانی (۱۷۶۸م) به هدایت پاپ یازدهم اقلیس از رم عزیمت کرد و به قصد بررسی کتابخانه‌ها به شهرهای دمشق، حلب، قدس، شهرهای دیگر سوریه، لبنان و مصر مسافرت کرد. او در این مسافرت‌ها به آنچه مورد پسندش بود رسید؛ یعنی نسخه‌های خطی نادری به زبان عربی، سریانی و قبطی. بدین ترتیب، سه کشتی پر از این نسخه‌های خطی را بارگیری کرده و به قصد کتابخانه واتیکان در رم عزیمت کرد؛ زیرا او عضو هیئت امنای آن کتابخانه بود. اما دو کشتی از او در رود نیل غرق شد (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۳، ص ۱۰۳۱). غرق شدن دو کشتی کتاب نادر و نفیس صدمه‌ای بزرگ برای میراث علمی یک تمدن به‌شمار می‌رود؛ آن هم زمانی که در تمدن‌های دیگر آن مقطع، حتی به اندازه همین دو کشتی هم نسخ خطی قدیمی یافت نمی‌شد.

### ۶-۲-۲. آشوب و جنگ‌های داخلی غرب

وقوع جنگ و آشوب‌های داخلی در غرب، علت دیگر از بین رفتن متون تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود. وقوع این جنگ‌ها، در دنیای پرآشوب غرب که بزرگترین جنگ‌های جهان از جمله جنگ جهانی اول و دوم را به خود دیده، بسیار پررنگ است. اسنادی که دال بر سرنوشت دردناک کتابخانه‌ها در شهرهای آشوب زده است، وجود دارد. دورانی که کتاب‌ها سوخته یا پاره یا در آب ریخته شد و یا کیلویی به فروش می‌رفت (دال، ۱۳۷۲، ص ۲۱۳). کشمکش‌های دائمی و انقلابی در این زمان سراسر زندگی مردم را فرا گرفته بود. بی‌شک تمامی این عوامل، به فرهنگ و تحقیقات ادبی و جمع‌آوری کتاب آسیب رسانید (همان، ص ۲۸۵). همین‌طور کتابخانه مشهور دانشگاه آکسفورد، در سال ۱۵۵۰ میلادی به دست هیئت اعزامی پادشاه ادوارد ششم، غارت و کتاب‌هایش یا در آتش سوخت و یا به فروش رسید (همان، ص ۲۱۶).

این روند در دوران معاصر نیز ادامه داشت. کتابخانه‌ها می‌باید به مفهوم واقعی کلمه عمومی می‌شدند. چنان‌که در حکومت کمونیستی شوروی چنین شد و پس از آن کتابخانه‌ها ملی شدند؛ اما هرج‌ومرج رایج در این زمان (زمان

انقلاب) تحقق این امر را به تأخیر انداخت، بلکه از این فراتر، منجر به نابودی بخش زیادی از میلیون‌ها کتابی شد که از افراد به دست دولت افتاده بود. غیرممکن است که میزان این زیان‌ها را بتوان مشخص کرد. در دوره اول انقلاب، کتابخانه‌های اشراف و صومعه‌ها در اثر حمله مردم به‌طور کلی ویران شدند (بلاچ، ۱۳۸۳، ص ۳۴۱). نسخه‌های خطی قدیمی که در این دوران از بین رفت، اکثراً نسخ جمع‌آوری شده از سایر تمدن‌ها بود. در بین این نسخه‌ها، بیشترین مقدار متعلق به نسخ خطی اسلامی بوده است؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، در تمدن غرب نسخ خطی قدیمی متعلق به خود اروپا بسیار محدود یافت می‌شد. به یقین، در این میان کم نبودند نسخه‌های خطی کمیاب و نفیسی که در آتش خودخواهی غربی‌ها سوخته و نابود شدند.

### ۳-۱-۲-۶. جنگ‌های اندلس

تمدن اسلامی اندلس، تمدنی درخشان در دل اروپا بود که به‌عنوان پایتخت علمی آن روز اروپا نام گرفت. مطابق گزارش‌های تاریخی، برخی کتابخانه‌های آن دارای صدها هزار جلد کتاب بوده است. به‌عنوان نمونه، تنها در قرطبه (شهری در اندلس) در کتابخانه حکم دوم (۳۵۰ تا ۳۶۶ق) ششصد هزار جلد کتاب وجود داشت. در صورتی که شارل عاقل، ۴۰۰ سال بعد، کتابخانه دولتی پاریس را تأسیس کرد و فقط توانست ۹۰۰ جلد کتاب جمع‌آوری کند که یک سوم آن، کتاب‌های مذهبی بود (قربانی، ۱۳۷۰، ص ۶۷). باید گفت: امروزه هیچ اثری از آنها باقی نمانده و هم‌اکنون در اسپانیای کنونی، طبق آمار و گزارش‌های موجود، حدود سه هزار نسخه خطی اسلامی وجود دارد (عبدالرحمن، ۱۳۸۳، ص ۳۷) که تقریباً اکثر آنها بعد از این دوره از دیگر کشورهای اسلامی به‌دست‌آمده است. امروزه از آن کتابخانه‌های عظیم و کتاب‌های بی‌شمار اسلامی در اسپانیا اثری به چشم نمی‌خورد.

در سال ۱۴۹۲ میلادی با سقوط غرناطه دوران اقتدار مسلمانان در اسپانیا پس از ۷۸۱ سال به پایان رسید و به تدریج مقامات مسیحی درصدد از میان بردن آثار فرهنگ اسلامی برآمدند (رومن، ۱۳۸۰، ص ۳۴۴-۳۴۵). خروج مسلمانان از اندلس و سیطره اسپانیا بر آنجا و سوزاندن هزاران کتاب عربی پس از سقوط قرناطه، آنها کتاب‌ها را در میدان، انباشته می‌نموده و می‌سوزاندند. بلاد اندلس در آن زمان به فجیع‌ترین مصیبت که همان کینه اعتقادی و نابودی بشر و فرهنگ باشد، دچار شد (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۳، ص ۱۰۲۰) در این خصوص، در آستانه قرن شانزدهم گزارش‌هایی از سیاست *کاردینال جیمز دسینروث*، در خصوص تغییر دین مردم گرانا در دست است که با سوزاندن هزاران نسخه خطی عربی در *پلازادُ بیبارامبلا* همراه شد (جونز، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴). این *کاردینال اسپانیایی* که از توجه هموطنان خود به مطالعات اسلامی شکایت داشت، دستور داد تا هشتاد هزار کتاب عربی را در میدان عمومی غرناطه بسوزانند (مکی سباعی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۷). این کشیش، آثار هشت قرن فرهنگ اسلامی را در یک روز نابود کرد (رومن، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶). میزان این نابودی و از بین بردن آثار اسلامی در اسپانیا به حدی بود که حتی از دانشمندان مسلمان متولد خود اسپانیا مانند *ابن‌رشد* هم اثری در این کشور یافت نمی‌شد. دلیل این امر، انهدام کتاب‌های او در اسپانیا به فرمان *خیمنت* بود. در

تعقیب این فرمان، هشتاد هزار نسخه دست‌نویس به زبان عربی در میدان‌های غرناطه سوزانده شد. در حوالی سال (۱۶۰۰م) اسکالینجر هنگامی که در اسپانیا در جست‌وجوی نسخه‌های خطی جدید بود، حتی یک نسخه از آثار آن را پیدا نکرد (شریف، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۳). این مورد، یکی دیگر از شواهد آشکار عدم دسترسی به آثار دانشمندی بزرگ مانند ابن‌رشد حتی در محل تولد و زندگی خود او می‌باشد. این خود، به معنی بالاترین حد جلوگیری از ارتباطات علمی؛ یعنی سانسور در جامعه‌ای مسلمان‌نشین مانند اندلس می‌باشد. این میزان از حذف و نابودی آثار و متون اسلامی موجب از بین رفتن دسترسی و ارتباطات علمی جامعه اندلس، با میراث اسلامی گردید. به‌طوری‌که در مدتی کوتاه، اسلام و مسلمانان برای همیشه از این محدوده جغرافیایی ناپدید گردیدند. باید گفت: نابودی کامل یک تمدن مانند اندلس، در این ابعاد در طول تاریخ کم سابقه است. نبود کردن این حوزه مهم تمدن اسلامی و آثارش، خسارتی غیرقابل جبران بر روند علمی تمدن اسلامی وارد نمود.

#### ۶-۲-۱-۴. جنگ‌های صلیبی

تمدن بیت‌المقدس، جزء غنی‌ترین و درخشان‌ترین حوزه‌های تمدن‌های اسلامی بود که سال‌های طولانی گرفتار جنگ‌های متعدد صلیبی گردید. در این جنگ هم که با قتل‌عام وحشیانه مسلمانان همراه بود، بسیاری از آثار و متون اسلامی، توسط صلیبیون مسیحی نابود گردید. به‌طوری‌که برخی از اندیشمندان آثار آن را با خسارات ناشی از حمله مغول‌ها مقایسه می‌کنند و گفته‌اند: در نابودی کتابخانه‌های اسلامی، تراج مسیحیان را در جنگ‌های صلیبی و حمله مغولان به بلاد اسلامی را نباید فراموش کرد (المردی، ۱۳۶۲، ص ۸۷). جنگ‌های صلیبی که دو قرن (۱۰۹۶-۱۲۹۱م) به طول انجامید و بخش بزرگی از دنیای اسلام و از جمله کتاب‌ها و کتابخانه‌ها را ویران نمود و از بین برد، روشن‌ترین نمونه آن، سوزاندن کتاب‌ها توسط صلیبیون به هنگام استیلاء بر شهر طرابلس در سال ۱۱۱۰ میلادی است (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۳، ص ۱۰۰۳). در جریان جنگ‌های صلیبی، صد هزار جلد از کتاب‌های دارالعلم غارت شده یا به آتش کشیده می‌شود (معلوف، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳). تحمیل دو قرن جنگ و ویرانی بر بخش مهم دیگری از حوزه تمدن اسلامی، خود گویای آسیب‌های علمی در این بخش‌های تمدنی جهان اسلام است.

#### ۶-۲-۵. سایر جنگ‌ها

بیشترین جنگ‌ها در طول تاریخ از سوی کشورهای غربی بر تمدن اسلامی تحمیل شده است. مشخص کردن خسارات علمی ناشی از هر جنگ بر پیکره جهان اسلام، نیازمند پژوهش‌های جداگانه‌ای است تا بتوان میزان خسارات آنها را بر تمدن اسلامی به مقدار دقیق‌تری آشکار کرد. هرچند شواهد تاریخی، درباره نابودی آثار اسلامی در جنگ‌های بزرگ بیشتر است، اما شواهدی هم وجود دارد که در سایر جنگ‌های تحمیلی غرب هم نابودی متون اسلامی اتفاق افتاده است. در این خصوص، هنگامی که اسپانیایی‌ها در سال ۹۷۸ق به تونس رسیدند، لشکریان آنها جامع (دانشگاه) زیتونه را اشغال کرده و کتابخانه‌ها را که مملو از هزاران جلد بود، نابود ساختند (طرازی، ۱۹۴۷، ج ۱،

ص ۲۱۹). به دلیل جنگ‌های تحمیلی غرب بر علیه کشورهای مسلمان و غارت و ویرانی‌های ناشی از آنها، که موارد متعددی از آنها به‌عنوان نمونه در همین پژوهش ذکر شد، می‌توان حجم بالایی از آسیب‌های وارده بر حرکت علمی در کشورهای اسلامی را تصور نمود؛ چون لازمهٔ ایجاد و پیشرفت ارتباطات علمی در هر جامعه‌ای در درجهٔ نخست، ثبات، امنیت و آرامش آن جوامع می‌باشد. در مرحلهٔ بعد، وجود مراکز و آثار علمی متعدد و متنوع که متأسفانه در طی این جنگ‌ها، هر یک از این موارد، آسیب‌های فراوانی را متحمل شدند.

## ۶-۲-۱-۶ از بین بردن آثار با بی‌توجهی و سهل‌انگاری

سهل‌انگاری و بی‌توجهی غربی‌ها، نسبت به مراقبت و نگهداری آثار انتقال یافته، یکی دیگر از دلایل نابودی آنها بوده است. وقتی مورخ دانشمند پیترولامیخ از هامبورگ، در سال ۱۶۶۲ میلادی سرپرست کتابخانه دربار وین شد، گنجینه‌های گران‌بهای آنجا از گردوخاک پوشیده شده بود. وی ناچار شد یک سال کامل برای نظم و نظافت دوباره آن تلاش کند (دال، ۱۳۷۲، ص ۲۷۵). همچنین، انتظار می‌رفت که در انگلستان تغییراتی برای نگهداری کتب صورت گیرد. چون احترام به اشیای باستانی از سنت‌های آنجا بود. اما در حقیقت این موضوع، تنها گاهی اوقات انجام می‌شد (همان، ص ۲۱۶). در خصوص وضعیت نگهداری کتاب‌ها در غرب آمده است: بسیاری از نسخه‌های خطی قرون وسطا، بعدها نابود شدند؛ چون پیمانکاران شمالی برای ساختن جلد دفترهای حساب خود، آنها را برش می‌زدند. در سال ۱۶۳۴ میلادی تعداد زیادی از نسخه‌های خطی، پوستی برای ساختن جلد فشنگ‌های آتش‌بازی که برای شادمانی در مجالس عروسی فرمانروایان کپنهاک رها می‌شد، مورد استفاده قرار می‌گرفت، در انگلستان وضع بدتر از این بود (همان، ص ۲۱۵).

همچنین، دکتر سوند *دال* می‌نویسد: توجه به مجموعه نسخه‌های خطی عربی *مولای زیدان* تا حدی مرهون مساعدت‌ها و تشویق‌های بنیتو آریاس *مونتانو* (۱۵۹۸م) بود. وی به‌عنوان کتابدار کتابخانه اسکوریال، به مطالعه زبان عربی همت گماشته و در اواخر عمرش از کیفیت حروف چینی برخی از نمونه‌های چاپی کار انتشارات عربی مدیچی در رم به شگفت آمده بود و نمی‌توانست باور کند که این نمونه‌ها، با استفاده از حروف متحرک چاپ شده باشد. اما از زمان مرگ او، پیش از فاجعه آتش‌سوزی سال ۱۶۷۱ میلادی که منجر به از بین رفتن نیمی از نسخه‌های خطی عربی کتابخانه شد؛ هیچ محقق اسپانیایی برجسته‌ای که قادر به استفاده از این منابع باشد، وجود نداشت (دال، ۱۳۷۲، ص ۲۱۳). همان‌طور که مشاهده شد، وضعیت تأسف‌بار آثار اسلامی، با سرقت و انتقال آنها هم به پایان نمی‌رسید. عوامل دیگری مانند وضعیت بد نگهداری، آتش‌سوزی، از بین بردن عمدی و... انتظار آنها را می‌کشیدند و موجب خسارتی دوچندان و نابودی کامل نسخه‌های نایاب و نفیس می‌شدند. نابودی منابع و آثار، به‌معنای نابودی ارتباط علمی نسبت به آن منابع و حذف کامل آنها از چرخه ارتباط علمی می‌باشد. البته بسته به نوع علم و کیفیت آثار، محدوده تأثیر آن منابع متفاوت می‌باشد. مثلاً، کتاب‌هایی که مرجعیت در برخی از علوم دارند، با از بین رفتن آنها خسارات غیرقابل جبرانی برای تمدن اسلامی ایجاد می‌گردید. به‌عنوان مثال، تصور از بین رفتن کتاب *القانون ابن سینا* در پزشکی؛ یعنی از بین رفتن بخش عظیمی از دستاوردهای تمدن اسلامی، در طب به‌طوری‌که هیچ یک از منابع دیگر نمی‌توانست جای خالی آن را پر نماید.



## ۶-۲-۲. انتقال نسخه‌های نایاب و کمیاب

یکی از مهم‌ترین مواردی که غربی‌ها در به دست آوردن کتب به آن توجه زیادی می‌نمودند، نایاب یا کمیاب بودن یک نسخه بود؛ زیرا نادر و نایاب بودن یک نسخه به آن کتاب ارزشی نامحدود می‌بخشید. به دست آوردن حتی یک نسخه از چنین کتابی، به‌منزله کشف گنجی گران‌بها به‌شمار می‌رفت. از این‌رو، مهم‌ترین همت غربی‌ها پیدا کردن نسخی بود که یا تک نسخه بودند و یا تعداد اندکی از آنها باقی مانده بود. این موضوع، تهدیدی جدی برای میراث اسلامی به‌شمار می‌رفت و موجب از دسترس خارج شدن آثار ارزشمندی از درون تمدن اسلامی گردید؛ یعنی این موضوع تنها موجب محدودیت ارتباط علمی نمی‌شد، بلکه موجب می‌شد دسترسی به برخی علوم و آثار در تمدن اسلامی، به طور کامل قطع شود. در این خصوص، آمده است که ایرلندی متمول، چستری بی‌بی در سال ۱۹۱۳ میلادی، به دنبال عتیقه‌جات و نسخه‌های خطی به کشورهای عربی مسافرت کرد و در قاهره استقرار یافت. در آنجا با همکاری تجار و صیادان نسخه‌های خطی و آثار باستانی برای به دست آوردن نسخ خطی عربی و شرقی نادر، تلاش به خرج داد و در طی این سال‌ها، نادرترین آنها را جمع‌آوری نمود (صالحیه، ۱۹۸۵، ص ۱۴).

از جمله شرکت‌کنندگان در خرید کتاب‌های لائوروروت آن کتابخانه سلطنتی بود. کتاب‌های گران‌قیمت بسیاری برای کتابخانه مزبور، از شرق وارد پاریس می‌شد. همچنین، سفیران فرانسه در خارج، کتاب‌های گران‌قیمت بسیار ارزنده‌ای را به آنجا می‌فرستادند. این کتابخانه، از لحاظ داشتن کتاب‌های نایاب و نفیس، بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه دنیای متمدن آن عصر (قرن هفدهم و هجدهم میلادی) به حساب می‌آید (دال، ۱۳۷۲، ص ۲۷۶).

همچنین، ماجرای آیت‌الله مرعشی نجفی نیز دلیلی بر این مدعاست. از میزان اهمیت به دست آوردن نسخه‌های نادر توسط غربی‌ها حکایت دارد. ایشان نقل می‌کنند:

من در بین سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ق، در مدرسه قوام نجف حجره داشتم. یک روز از مدرسه، به قصد بازار حرکت کردم. ناگهان چشمم به زنی افتاد. از زیر چادر زن گوشه کتابی را دیدم که بیرون زده بود. پرسیدم این چیست؟ زن گفت: کتاب فروشی هست. عنوان آن را خواندم و با حیرت تمام متوجه شدم که نسخه نایاب ریاض العلماء علامه میرزا عبدالله افنگی است که احدی آن را در اختیار ندارد. به زن گفتم: تمام دارایی من ۱۰۰ روپیه است که حاضرم برای این کتاب بدهم.

در همین حین، سروکله کاظم دجیلی پیدا شد. این کاظم دلال کتاب بود و برای انگلیسی‌ها کار می‌کرد. نسخه‌های نایاب و کتاب‌های قدیمی را به هر طریقی به چنگ می‌آورد و توسط حاکم انگلیسی نجف که گویا اسمش میجر بود به کتابخانه لندن می‌فرستاد. کاظم دلال، کتاب را به زور از دست من گرفت و به زن گفت: من بیشتر می‌خرم و مبلغی خیلی بالاتر از آنچه که من پیشنهاد کرده بودم، به زن پیشنهاد کرد. زن رو کرد به کاظم دلال و گفت به تو نمی‌فروشم، این کتاب مال این آقا است. کاظم شکست خورده و عصبانی از آنجا دور شد. یک ساعتی از ختم معامله نگذشته بود که کاظم دلال و شرطه‌ها به مدرسه حمله کردند و بعد از دستگیری، مرا پیش حاکم انگلیسی بردند. میجر دستور داد من را به زندان ببندازند.

روز بعد مرجع بزرگ آن وقت حاج میرزا فتح‌الله نمازی و میرزا مهدی، جماعتی را برای آزادی من

فرستادند. بالاخره، نتیجه کار این شد که من از زندان آزاد شوم، با این شرط که در مدت یک ماه کتاب را به میجر تسلیم کنم. بعد از آزادی از زندان به سرعت به مدرسه رفتم و همه دوستان طلبه‌ام را جمع کردم و گفتم باید کار مهمی انجام بدهیم که خدمت به شریعت است. طلبه‌ها گفتند چه کاری؟ گفتم: باید از این کتاب نسخه‌برداری کنیم. قبل از مهلت مقرر کار به پایان رسید و نسخه دوم آماده شد (مرعشی نجفی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱-۲۳۴).

با توجه به حجم بالای انتقال متون تمدن اسلامی و اهمیت دستیابی به نسخه‌های نادر و نایاب خطی توسط غربی‌ها، باید انتظار داشت که منابع و آثار مهمی از این طریق از دسترس جهان اسلام خارج شده باشد. هرچند تا زمانی که فهرست کامل و دقیقی از نسخ خطی موجود در کشورهای اسلامی و کشورهای غربی تهیه نشود، نمی‌توان مقدار آنها را در زمان کنونی مشخص نمود. البته اگر غربی‌ها اجازه دسترسی به تمام نسخ خطی اسلامی موجود را بدهند.

### نتیجه‌گیری

لازمه پیشرفت هر ملتی، استفاده از علم است. در حقیقت، رشد و پیشرفت هر جامعه، به وسیله مطالعه و تحقیق در علوم مختلف توسعه پیدا می‌کند. پس آگاهی از علوم، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت و موفقیت ملت‌ها دارد. این موضوع، یکی از دلایل مهم اهمیت متون تمدن اسلامی برای غرب بود؛ چون غربی‌ها به خوبی می‌دانستند برای موفقیت و پیشرفت، باید از دستاوردهای علمی تمدن پیشرو و پیشرفته اسلامی استفاده کنند، تا بتوانند عقب‌ماندگی‌های خود را جبران کنند. کتب و متونی که این علوم را ثبت و ضبط کرده بودند، به‌عنوان مهم‌ترین رسانه و کانال در آن دوران برای انتقال این اطلاعات و علوم انتخاب گردیدند. از این‌رو، طی قرن‌های متمادی غربی‌ها تلاش‌های گسترده‌ای برای به دست آوردن آثار تمدن اسلامی انجام دادند. این کار با انگیزه‌های مختلفی انجام گرفت. روشن است که تاراج آثار دانشمندان مسلمان، تأثیر غیرقابل‌جبرانی بر روند علمی کشورهای مسلمان گذاشته و موجب کاهش محسوس ارتباطات علمی آنها شده است؛ زیرا کاهش ارتباطات علمی با کمیت و شمارگان کتب موجود در هر جامعه‌ای، نسبت مستقیم دارد؛ یعنی به هر میزان که کمیت و تعداد کتب کم شود، به همان میزان هم دسترسی به منابع علمی محدود و سخت‌تر شده و این موضوع موجب کاهش سرانه مطالعه، تبادل علوم و کاهش ارتباطات علمی خواهد شد. اهمیت این موضوع، به قدری است که حتی امروزه هم سرانه مطالعه در کشورها جزء شاخصه‌های توسعه و پیشرفت شناخته می‌شود. یکی از راه‌های شناخت و محاسبه آن، شمارگان کتاب در آن کشور می‌باشد. این کاهش ارتباط علمی، به دو طریق کلی انجام شده است: اول، ایجاد محدودیت در دسترسی به منابع علمی. دوم، از دسترس خارج کردن متون علمی دانشمندان مسلمان. این موضوع، تأثیر مستقیمی بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی در قرون معاصر داشته است. در بخش اول، راه‌هایی که غربی‌ها موجب ایجاد محدودیت در ارتباطات علمی گردیدند، عبارت است از: ۱. جنگ‌ها، ۲. مأمورانی برای خرید آثار در شهرهای اسلامی، ۳. استعمارگری، ۴. سفارت و کنسولگری‌ها غربی، ۵. نسخه‌بازان و علاقه‌مندان به جمع‌آوری آثار، ۶. دزدان و شکار نسخ خطی، ۷. شرق‌شناسان، ۸. فریب افراد ناآگاه، ۹. حکومت‌های دست‌نشانده، ۱۰. کشیشان و راهبان مسیحی.

در بخش دوم نیز راه‌هایی که غربی‌ها موفق به از دسترس خارج کردن آثار شدند، عبارت است از: قسمت اول که نابودی آثار اسلامی است، عبارتند از: ۱. نابودی آثار نادر در راه انتقال، ۲. آشوب و جنگ‌های داخلی غرب، ۳. جنگ‌های اندلس (اسپانیا)، ۴. جنگ‌های صلیبی، ۵. سایر جنگ‌ها، ۶. از بین بردن آثار با بی‌توجهی و سهل‌انگاری. در قسمت دوم هم انتقال نسخه‌های نایاب و کمیاب، تأثیر بسیاری در از دسترس خارج کردن منابع و متون علمی تمدن اسلامی داشته است. بررسی این موارد کلیدی به خوبی یکی از علت‌های مهم کاهش ارتباطات علمی و وضعیت قرون معاصر را در کشورهای اسلامی روشن می‌کند. تبیین این موضوع، می‌تواند به روشن شدن بیشتر جایگاه علمی تمدن اسلامی و آسیب‌شناسی آن بینجامد. از سوی دیگر، باید ابعاد این موضوع دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد، تا بتوان مقدار درست‌تری از خسارت وارده را مشخص نموده و در مواردی، پیگیری حقوقی برای احقاق حق کشورهای اسلامی و حتی برگرداندن نسخه‌های با ارزش سرقتی صورت گیرد. همچنین، اقدامات لازم برای دسترسی پیدا کردن کامل محققان مسلمان، به تمام نسخ موجود در غرب فراهم گردد تا بتوان با بررسی نسخه‌ها و تهیه فهرست دقیق از آنها، به نسخه‌های نایاب یا کامل‌تر و صحیح‌تر از متون تمدن اسلامی دست یافت و از این میراث گران‌بهای علمی، هر چه بیشتر بهره‌مند گردید و عظمت آن را به درستی به جهانیان شناساند. همچنین، یکی از مواردی که باید تحقیقات جدی و دقیقی بر روی آن صورت گیرد، این است که چرا مقدار کتب انتقال داده شده به غرب، با میزان و تعداد فعلی نسخ خطی اسلامی در غرب تفاوت معناداری دارد. علت تعداد نسبتاً کم کتاب‌های تمدن اسلامی در برخی از کشورهای غربی که سابقه زیادی در انتقال متون داشته‌اند، چیست؟

## منابع

- آزاد، اسدالله، بی تا، *آشنایی با کتاب و کتابخانه*، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.
- برنال، جان، ۱۳۵۴، *علم در تاریخ*، ترجمه پیرانفر و فانی، تهران، امیرکبیر.
- بلاج، ای. ان، ۱۳۸۳، *کتاب‌های بزرگ تمدن اسلامی*، ترجمه زهرا آقامحمد شیراز، تهران، نشر سفینه.
- جونز، روبرت، ۱۳۸۰، «سرفت، جنگ و فراهم‌آوری نسخه‌های خطی عربی - اسلامی در اروپای دورهٔ رنسانس»، ترجمه شهرزاد داودی، *نامه بهارستان*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۵۳-۱۷۲.
- حایک، سیمون ۱۹۷۸، *تعزیت... و تعزیت، او نقل الحضاره العربیه الی الغرب*، لبنان، بی تا.
- حسن زاده‌آملی، حسن، ۱۳۷۵، *در آسمان معرفت*، گردآوری و تنظیم: محمد بدیعی، چ دوم، قم، تشیع.
- دال، سوند، ۱۳۷۲، *تاریخ کتاب از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر*، ترجمه محمدعلی خاکساری، مشهد، پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- داورپناه، محمدرضا، ۱۳۸۶، *ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی*، تهران، چاپار.
- روسو، پی‌یر، ۱۳۴۶، *تاریخ علوم*، ترجمه حسن صفاری، تهران، امیرکبیر.
- رومن، استفن، ۱۳۸۰، *گسترش مجموعه‌های اسلامی در کتابخانه‌های اروپای غربی و آمریکای شمالی*، ترجمه فرشته ناصری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- شریف، میان محمد، ۱۳۷۴، *تاریخ فلسفه اسلامی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- صالحیه، محمدعیسی، ۱۹۸۵، *تغریب التراث العربی بین الدیپلوماسیه و التجاره*، بیروت، دارالحدائث.
- طرزای، فیلیپ، ۱۹۴۷، *خزائن الکتب العربیه فی الخاقین*، بیروت، منشورات وزارت الترویبه الوطنیه و الفنون الجمیله.
- عبدالرحمن، عبدالجبار، ۱۳۸۳، «انتقال نسخ خطی عربی به کتابخانه‌های اروپایی و آمریکایی»، ترجمه حسین علینقیان، *ماهنامه کتاب ماه کلیات*، سال هفتم، پیاپی ۸۴، ص ۳۶-۴۹.
- عبدالرحمن، لعائشه، ۱۹۷۰، *تراثنا بین ماض و حاضر*، قاهره، دارالمعارف بمصر.
- عواد، کورکیس، ۱۹۷۶، «الخطوط العربیه خارج الوطن العربی»، *المورد*، ش ۱، ص ۱۷۱-۲۴۶.
- فروغی، محمدعلی، ۱۳۶۶، *سیر حکمت در اروپا*، چ چهارم، تهران، زوار.
- قربانی، زین‌العابدین، ۱۳۷۰، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کازنو، ژان، ۱۳۶۴، *قدرت تلویزیون*، ترجمه علی اسدی، تهران، امیرکبیر.
- کردعلی، محمد، ۱۴۰۳ق، *خط السام*، بیروت، مکتبه النوری.
- محمدی، اکرم، ۱۳۸۶، «تأثیر ارتباطات علمی بر تولید دانش»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۳۷-۵۵.
- المردی، جانسون، ۱۳۶۲، «کتابخانه‌های جهان اسلام»، ترجمه علی شکویی، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ش ۱۲۷، ص ۸۱-۸۹.
- مرعشی نجفی، سیدمحمود، ۱۳۸۰، *مجموعه رساله‌ها و مقاله‌های علمی در پاسداری حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی*، گنجینه شهاب، دفتر نخست، قم، کتابخانه آیت‌الله عظمی مرعشی نجفی.
- معلوف، امین، ۱۳۶۹، *جنگ‌های صلیبی (از دیدگاه شرقیان)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.
- مکی‌سباعتی، محمد، ۱۳۷۳، *تاریخ کتابخانه‌های مساجد*، ترجمه محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- Pearson, j.d, 1971, *Oriental Manuscripts in Europe and North America*, Asurveyezug, Switczraland.